



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

قابل کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهی های رسمی و قانونی

شماره ۲۱۴۳

دوشنبه ۲۲ خرداد ماه ۱۳۳۱

سال هفتم

شماره مسلسل ۹

پوردهفدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۹

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز دوشنبه پانزدهم خرداد ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب :

- ۱- تصویب صورت مجلس.
- ۲- اعلام استرداد مخالفت و تصویب اعتبارنامه آقایان دکتر سید حسن امامی - دکتر سنجابی - مهندس زیرک زاده و صفائی
- ۳- قرائت گزارشهای شنبه چهارم راجع به انتخابات یزد و نمایندگی آقایان کرطاهری و صراف زاده و جلیلی و ارجاع آن بکمیسیون تحقیق
- ۴- موافقت با تأخیر طرح نمایندگی آقای دکتر بقائی تا جلسه بعد
- ۵- طرح و تصویب نمایندگی آقای عبدالرحمن فرامرزی از ایوانکی
- ۶- اعلام تصویب نمایندگی آقای مجتهدی نماینده تبریز بعلت حاضر نبودن مخالف آن
- ۷- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای اورنگ تشکیل گردید

۱- تصویب صورت مجلس

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل

زائد میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

غائب با اجازه - آقای دکتر شایگان

غائبین بی اجازه - آقایان : دکتر

طوسی - محمدعلی دادور، حاج سید ابوالقاسم

کاشانی - سید باقر جلالی موسوی، احمد

انگري

دیر آمده - اجازه - آقای راشد

دیر آمده بی اجازه - آقای دکتر

سید حسین فاخر

رئیس - در صورت مجلس نظری

هست ؟

شمس قنات آبادی - بله

رئیس (خطاب به آقای خسرو -

قشقای) شما هم در صورت جلسه نظری

دارید ؟

خسرو قشقای - بله

رئیس - آقای شمس قنات آبادی مقدمند

بفرمائید آقای شمس

شمس قنات آبادی - در موضوعی

که آنجا بنده بیان کردم عرض کردم عقیده

فرد نمیتواند ملاک کلی باشد اینجا نوشته

است (عقیده فردی نمی تواند کلی باشد)

این البته غلط است تقاضا میکنم اصلاح

شود و حالا يك نکته ای دیگر هست که

لازم است عرض کنم چون مجلس آماده

کار نشده و نمیشود قبل از دستور صحبت

بکنم اجازه میخواهم يك نکته ای را تذکر

بدهم و تذکری لازمست برای آنکه بی

نهایت از عصر تا شب و حتی تا سحر بمن فشار

آوردند که دیروز در مجلس سنایکی از

آقایان سناتورها اعتراض کرده بودند که

چرا در کشور اسلامی ایران در ماه رمضان

موسیقی تعطیل شده تمام کارها در مملکت

ما اصلاح شده و اینکار مانده است فقط آمده اند

اعتراض کرده اند که چرا موسیقی را از

برنامه رادیو تهران حذف کرده اند ؟ و این

باعث ایجاد تنفر در بین همه مسلمانهای

تهران شده و مسلماً از شهرستانهای دیگر

خبرش راجع باین مطلب خواهد رسید

خواستم تذکر بدهم اینجا کشور اسلامی

ایرانست

رئیس - عرض کنم این اولاً راجع

بصورت مجلس نیست خواستم بعضی برسانم

آنکه راجع بصورت مجلس است خاطر

جناب عالی مستحضر باشد صورت مجلس ها

اول طبع میشود و توزیع و بعد هر اشکالی در

امری هست که نسبت بنواقص صورت مجلس ها

است تذکر داده میشود آن تذکرها در چاپ

ثانی مراعات میشود و چاپ صحیح بدست آقایان

میرسد آقای خسرو قشقای

میراشرافی - خواستم جناب آقای

قنات آبادی عرض کنم که هم موسیقی

تعطیل شده هم وعظ در مسجد شاه هر دو تعطیل شده

شمس قنات آبادی - اینهم مثل

همان بود

رئیس - هم این وهم آن مربوط

بصورت مجلس نیست. آقای خسرو قشقای

خسرو قشقای - بنده در آن دفاعی

که از آقای دکتر شایگان کرده بودم نوشته

شده است که « دو ایراد اساسی » بنده

گفته بودم که از نظر معترض دو ایراد

اساسی بوده و الا بنظر بنده ایراد اساسی نبود

رئیس - تصحیح میشود در صورت

مجلس نظری نیست ؟ آقای نریمان

نریمان - در رأی راجع به آقای دکتر

شایگان نوشته شده يك موافق بی اسم بنده

فراموش کرده بودم امضاء کنم . آن اسم

بنده است

رئیس - بسیار خوب قید میشود آقای

حمیدیه

حمیدیه - آقای اخگر مریض

است اجازه خواسته بودند توسط بنده

رئیس - مرخصی ایشان تصویب شده

در صورت مجلس نظر دیگری نیست ؟

(اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب

شد

۳- اعلام استرداد مخالفت

و تصویب اعتبارنامه

آقایان دکتر سید حسن

امامی - دکتر سنجابی

مهندس زیرک زاده و صفائی

رئیس - نظر با استرداد مخالفت از

طرف آقای مهندس زیرک زاده نسبت به

آقای امام جمعه و از طرف آقای میراشرافی

نسبت با آقای دکتر سنجابی و از طرف آقای

میراشرافی و آقای عامری نسبت با آقای زیرک

زاده يك يك عرض میکنم پرونده انتخابات

مبن مذاکرات مشروح همین جلسه از هفدهمین دوره قانونگذاری

که باید تشدید در موضوع بدهی باصدا را بنند کند باصدا را باین بیارود ومن بیشتر مگر بخوانم آن اثر را نداشته باشد و متعسر بشود

فرامرزی - لطف کنید بده خود شهری میخوانم (خنده نمایندگان)

مهندس غروی - آقای حائریزاده اجازه میفرماید بدهم خود آقای فرامرزی میخواند

حائریزاده - خواهش میکنم خود شما بخوانید چون ایشان نصیحتی می‌شوند خوب نیست

مهندس غروی - اجازه بفرمائید بدهم یک موضوعی را عرض کنم (نمایندگان - آقا نمی‌شود)

رئیس - آقای مهندس غروی مطلق و ساده بخوانید و روشودید

مهندس غروی - من زاجع باین موضوع صحبت نمی‌خواهم بکنم. میخواهم عرض کنم که این مطلب سابقه خود من نبودم سابقه بوده است یانه خود آقایان بهتر میدانند بده شهری نمیخوانم حسینی میخواهم.

(آقای غروی بقیه یادداشتهای آقای حائریزاده را شرح زیر قرائت کردند)

برای رسیدن بمقام از هیچ کاری روی گردان نیستند. فکر مردم را خراب میکنند و در مثل هم مناقشه نیست.

بقول سنائی غزنی

چودزیدی با چراغ آید گزیدند بر دکلا موضوع انتخابات ورامین و کاتات آقای فرامرزی در جنبه دارد یکی سوء جریان انتخابات و دیگر عدم صلاحیت آقا ومن از نظرم در دو جنبه مخالف راجع بسوء جریان انتخابات حقیقت آنست که ما این نسبت اعمال غرض و خیانت بحکومت دکتر مصدق بدهم وقتی که با جناب دکتر در دوره پنجم تقنینیه همکاری داشتیم حتی یکبار هم با ایشان راجع با مردم راجع به مملکتی مشورت نکردم زیرا تشخصی داد بودم که تربیت خانوادگی و شخصی ایشان شکنجی است که مورد شورو صلاح اندیشی با همکاران و دوستان نیستند و فکر خود را بالاتر از همه دانسته و آنچه ایشان بتهائی بستند رسماً بموقع اجرا گذارده و برای آراء سایرین ارزشی قائل نیستند و همین مناسبت بود که با ایشان پس از مجلس یازدهم فقط در موارد منفی همکاری داشته و دارم و راجع با انتخابات دوره هفدهم روش و نقشه ایشان بقید من مطابق مصالح مملکت نبود و همچنین آئین نامه قرعه کشی برای تغییر و تبدیلی مأمورین در موقع انتخابات که برای لوث کردن مسئولیت خرابی انتخابات اختراع شده بود نیز از ارفع مسئولیت ایشان نمی باشد. زیرا که در بعضی از نقاط من جمله در ورامین که مأمورین قرعه ای منظور دوستان و مریدان ایشان را عملی

از کاندیداها جناب ایشان را بوکالت ورامین منصوب کردند چون این جریانات چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد اما در باب صلاحیت من آقای فرامرزی را برای نمایندگی صالح ندانم زیرا اشخاص این الوقت اگر دسترسی باین صندلیها پیدا کنند چون از راه تغییر و خیانت باصول دارای مقام شده اند و موفقیت بانها لذت بخشیده است بطعم مقام بالاتر متکب خیانتهای بزرگتر و تازه تری میشوند (میر اشرفی - این حرفها بمصلحت مملکت نیست) آقای فرامرزی از دوره رضا شاه در مدارس معلم عربی بود و برای امرار معاش حقوق معلمی برایش کفایت میکرد و در اثر جاه طلبی خدمت مختاری را قبول کرد و قصاب جراید شد و مثل ساطور بالای سر نویسندگان ایستاده بود

رئیس پلیس دوره امپراطوری ناپلئون گفته است که با پاهای حکومت من روی شاه سرویس جاسوسی است و سانورچهای من مغز سرویس جاسوسی را تشکیل میدهند در آزمون نویسندگان صاحب فضل و کمال خیلی بودند و رضاشاه از آنها تملق می‌هم - گفت که چنین منصبی را قبول کنند ولی آنها زیر بار نمی رفتند زیرا معتقد با آزادی قلم بودند و نمی خواستند در کسوت میرغضبها جلوه کنند لکن فرامرزی داوطلب بود و حتی بعد از رفتن رضا شاه روزیکه روزنامه دارم در مقابل قرعه بی جان که از میان اشخاص غیر قابل اعتماد مأمور انتخاب میکنند) حقیقتاً بازی قرعه کشی را میتوان یکی از پرده های لوث کردن مسئولیت انتخاباتی دانست و از ابتکار و تصمیمات مخصوص شخص آقای دکتر مصدق است مثلاً در یکی از حوزه های انتخابیه که آقای دکتر علاقه مفرطی بموفقیت تانید معینی داشتند با اینکه فرماندار منتخب قرعه کشائی حتی در موقع اداء نماز حکم کشتار دسته جمعی مردم بیگناه و بی آزار را صادر کرد و مرتکب جنایتی باین بزرگی گردید جناب آقای دکتر حتی کوچکترین توضیحی از قاتل نخواست و بر عکس در انتخابات ایوانکی چون مأمورین با نمیخواستند مخالف افکار مردم محل اقدامی کرده و با عاجز از بیرون آوردن کاندید دولتی از صندوق بودند پشت سر هم عوض میشدند تا اینکه سرانجام آقای فرامرزی را باسلام و صلوات از صندوق بیرون کشیدند دیگر اینجا موضوع را در میکیم و راجع به اقتضات و رسواییهای دیگر حرفی نمیزنم و نمیگویم که فرامرزی در تمام مدت عمر کوچکترین سابقه در ورامین و با اهالی آنجا نداشته و نیز نمی گویم که این آقا دارای طریقه تشنگی هست و مردم ورامین همه شیعه هستند آنهم شیعه بسیار متعصب بنا بر این در آوردن فرامرزی را از جعبه انتخابات ورامین باید بعنوان یک شاهکار و معجزه بدستگاه دولت تبریک گفت و باز نمی گویم که با تموض چند بختدار و اعزام چند گردان نظامی و ژاندارم و استقرار مسلسل روی بام خانه های مردم و منتظر خدمت کردن یکی

آقا اینها مربوط با انتخابات ورامین نیست) (فرامرزی - بگذارد آقا بخوانم این دروغهای بی شرمانه را جواب خواهم گفت) ممکن است آقایان و همچنین خود آقای فرامرزی از من بیبرسند که این خصائص و سوابق را آقای فرامرزی پیش از دوره هفدهم داشته است پس چرا من در دوره یازدهم و شانزدهم با ایشان مخالفت نکردم و جواب يك سؤال احتمالی را باید پیش از وقت بدهم تا مجالی برای سوء تفاهم و سفسطه باقی نماند و حقیقت آنست که من از سوابق آقای فرامرزی در دوره مختاری و غیره اطلاع داشتم ولی ایشان را تا این حد نمی شناسختم تا در کمیسیون نفت دوره گذشته مجلس شورای ملی آقایان اطلاع دارند کمیسیون نفت که بنده و آقای فرامرزی هر دو عضو آن بودیم زحمات زیادی کشیدیم تا مقدمات رد قرارداد گس - ساعد و بعد ملی شدن صنعت نفت فراهم شد و با تصمیم مجلس شانزدهم پنجه های کمیانی غاصب نفت برداشته شد صورت مذاکرات جلسات کمیسیون نفت که از طرف مجلس چاپ شده بود موجود است این صورت مذاکرات با مضای آقای دکتر مصدق رسیده و آقای مکی مخیر کمیسیون نیز در طبع آن نظارت داشته است آقایان میدانند و صورت جلسات کمیسیون نفت البته باختصار شهادت میدهد که برای تصویب رساندن قرارداد خائنه ساعد - گس کمیانی چه فعالیتی می کرده و بعضی از اعضاء کمیسیون چه کار شکنی ها کرده اند که چون این اشخاص غالباً اینجا حاضر نیستند و قادر بدفاع از خود نمیباشند میل ندارم ذکر از آنها بکنم و لذا فقط آقایان را بقرائت صورت جلسات مزبور توصیه می نمایم

از جمله کسانیکه آنجا در دفاع از کمیانی بیقرار بوده یکی آقای فرامرزی است من وقتی بهوت فرامرزی پی بردم که علناً در جلسه کمیسیون نفت گفت که من با اعضاء شرکت نفت ارتباط دارم و آنها گفته اند که قرارداد الحاقی - ساعد گس خوب است و باید تصویب شود.

اینک عین بیانات آقای فرامرزی را که البته مختصری از بیانات ایشان است کم از صورت جلسه چابی کمیسیون قرائت می آقای فرامرزی - « گزارشی که به مجلس آمد راجع بنفت برای من هیچ روشن نیست زیرا من آنچه را که فتم نیست نه مطالعه می کنم و نه گوش می دم - در این دوره تصمیم گرفتم که وارد بشوم و بفهمم چه چیز است کسی که بلد باشد و بتواند مرا خالی کند پیدا نکردم و از طرف خود شرکت بامن تماس گرفتند خلاصه آنها از قاضی بین نشان دادند که بموجب آن از قام سهمی که بمولت ایران می دهند از تمام دنیا بیشتر است» ملاحظه بفرمائید که آقای فرامرزی برای نخستین بار که خواسته است راجع به نفت اطلاعاتی کسب کند بخود کمیانی مراجعه کرده است!! (میر اشرفی - خیلی ها به کمپانی مراجعه کرده اند که ما هم می گویم)

آقای سایر و کلا و از جمله آقای دکتر مصدق و سایرین و تمام مردم ایران که مخالف فرزانة نفت بودند برای بدست آوردن اطلاع بکمیانی رجوع می کرده اند؟ وقتی کردیم ایران در دوره دوش و شوره و خانه و مسجد کوچک و بزرگ بر ضد تحمیلات کمیانی فراد می کشیدند با کمال احترام و در عین خلوص و ارادت از شرکت نفت می پرسیدند که آیا برای داد الحاقی گس - ساعد بفتح ملت ایران است یا بضرر آن!! آقایان شما از این سؤال و جواب چه میفهمید؟ و از این ابراز صریح و روشن آقای فرامرزی در داشتن ارتباط با کمیانی نفت چه درک می کنید؟

باز هم آقای فرامرزی در جلسه هفتم کمیسیون نفت اقرار بداشتن ارتباط با شرکت نفت کردند زیرا آن روز کسی تصور نمی کرد زار دارد شود و طرف داران و جیره خواران کمیانی هنوز شاخ و شانه می کشیدند و در آنچه بنده اعتراض کردم که چرا کمیانی تمت حقوق گمرکی نیرداخته است و چرا کمیانی تأسیساتش را در خارج از ایران پنهان کند.

در همان جلسه آقای فرامرزی در جواب من می فرمایند که من با خود انگلیس ماناس گرفتم و این مطلب را گفتم آنها گفته که معامله گری باید ملاحظه حرفه اش را بکنند.

لاد آقای فرامرزی وزیر خارجه و با وزیر دارائی و یک مدافع کمیانی و یادارای یک مقام سؤال دیگری بودند که با خود انگلیسیها تماس پیدا کردند (مهندس غروی - بنده واقفاً گویم خشک شده دو صفحه دیگر مانده یکی دیگر از آقایان بقیه را بخوانند) (عده ای از نمایندگان - آقا بخوانید تمام کنید)

و آنها مطالب را در میان مینهادند والا نام عضو کمیسیون نفت بودیم دکتر مصدق رئیس کمیسیون بود پس چرا ما سایرین با انگلیسیها تماس نگرفتیم و از آنها کسب دستور نگردیم؟

در همین جلسات کمیسیون نفت بود که فرامرزی قیافه حقیقی خود را ظاهر ساخت و هویت این مرد این الوقت که برای کسب موفقیت و ارضاء شهوت جاه طلبی و رفع پرستی جبین بندگی بخاک هر ذری میباید در نظر من آشکار شد و فهمیدم که ایادی نامرئی و مرموز اجنبی جرایم و نیش اشخاص را در هر راهی که امکان یابد و باصرار در جمعی وارد میکنند رأی که فرامرزی بملی شدن صنعت نفت داد هم میبایدند چه اسراری در کار بود ملاحظه فرمائید آن روز شاهد است که اگر عاقلانه با این قبیل اشخاص چگونه مبارزه میکرد و چه شد که فرامرزی و چند نفر مانند او ناچار برای دادن شدن دیگران هم که مانند آقای فرامرزی بودند و از طرف خود خواستار صلح فارس و وجود دارد که سر تاسر سواحل خلیج فارس

کمیانی بودند از ترس رأی دادند ولی دیگر مانند ایشان جرات نکرده شاخ و شانه بکشند و بعنوان یکفتر قهرمان ملی سینه سپر کرده و از ملی بودن خود حرف بزنند ولی فرامرزی این الوقت همینکه دید راه از اینطرف باز شد و رأی راهم داده است فوراً تغییر رنگ و لباس داد و از هر که جیره خواران و مدافعین کمیانی یکدفعه لباس را بظاهر عوض کرده در میان صفوف ملت جستن کرد و ملی شد و بهر طریقی بود خود را بدنباله کاروان چسباند تا از فافله عقب نیفتد!!!!

ما انگلیسیهای شرافتمند را!!! که بنفع خود و بضرر ملت ایران عمل میکردند راندیم ولی آن ایادی کثیف انگلیسهای در لباس ایرانی را که با کمال بیشرمی برخلاف مصالح ملت خود و بنفع اجنبی کوشش کرده و میکنند موفق نشدیم که دست آنها را از مجلس شورای ملی وسنا و هیئت دولت و دربار کوتاه کنیم و آن اشخاص پلید که فوری لباس خود را عوض میکنند برای اغفال ملت مهربان ایران کمالاً ورزیده و مجهز هستند و البته مبارزه با این طبقه فاسد فداکاری لازم دارد

من خودم را حاضر برای تحمل هر گونه تهمت و افتراچه در جراند و چه در مقامات مؤثر کرده و برای یاره کردن این برده هم مصمم شدم و این مطالبیکه عرض خواهم کرد برای آن نیست که اشخاص مردم را برای پیشرفت این مقصود با خود یارو مددکار سازم بلکه برای اینست که تشخیص دم در این مجلس چند نفر مبارز برای اصلاحات و عضو گروه مبارزه با فساد خواهیم داشت تا با آن عده قلیل که حاضر برای مبارزه با فساد هستند این جهاد مقدس را ادامه دهیم

برای من فرق نمی کند کسانیکه با حربه قلم و با تقویت در مقامات مؤثر و با با تجریک و فساد در هر طبقه باشند و موجبات بدبختی ملت ایران را فراهم سازند مبارزه کنیم.

امروز تصادف من را با اعتبار نامه عبد الرحمن فرامرزی روبرو کرد ممکن است فردا با دیگری روبرو شوم من برای یک مرام مقدسی که مبارزه با فساد است پشت این تربیون آمده و راجع باعتبار نامه و انتخابات آقای فرامرزی مخالفت میکنم و میدانم که ایشان دارای نقص و بیان خوبی هستند و قلم مؤثری دارند و میتوانند گفت و گو را فکرو و فکر را آنگیز و کنند

اگر آقایان اجازه دهند و بیش از یک ساعت که قانون بمن حق داده است فرصت دهند اوراق بیرونده که مثبت این قسمت از دعوی است و در روی تربیون حاضر است بعرض آقایان میرسانم

شرکتهای بزرگی برای عمل قاچاق وجود دارد که سر تاسر سواحل خلیج فارس

و بحرمان پایگاهها و دستگاههای منظم برای عمل قاچاق دارند و تجار صیحه عمل ایرانی بواسطه این دستگاههای قاچاق مجبورند دست از تجارت بکشند این دستگاهها را که وریشدر مراکز مهم مملکتی دارند در مجلس شورای ملی در دستگاه دولت و سایر مقامات مؤثر مملکتی هستند

البته هر کدام شغلی و از این خوان بیغما سهمی دارند یکدسته از مستخدمین این شرکتهای قاچاق کسانی هستند که اگر مأمورین صحیح العمل در قسمت مرز از مأمورین گمرک یا ژاندارم یا فرماندار یا بخشدار پیدا شود که دهن او را بالقوه رشوه نتوان بست یا نطق این آقایان در مجلس و قلم انتقادی آنها ریشه آن بدبخت های مانع قاچاق را قطع خواهند کرد

من میل ندارم که بگویم یکی از مراکز بغش قاچاق در جنوب شهر لار بوده و مرید ها و مؤمنین آقای فرامرزی همان قاچاق چها و همان دستگاه جنایت است و این کشتار چند سال پیش در موقع انتخاب ایشان که عنوان شیعه و سنی روی آن گذاردند مبارزه قاچاق چها و اشخاص صحیح العمل بود و فعالیت های انتخاباتی که در ورامین و ایوانکی برای ایشان شده در صورتی که هیچ رابطه ای که موجب نمایندگی ایشان بشود بین ایشان و اهالی ورامین و گرمسار نبوده است آن ایادی مرموز و آن دستگاه مؤثر بکار افتاد و شخصی مانند ایشان را در یک حوزه ای که کاندیدهای پرسابقه و اهالی محل که مؤمنین و معتقدین زیاد داشتند شکست داد و این کاندید خلاق الساعه را بعنوان نماینده مجلس شورای ملی تحویل مسات ایران داد

مهندس غروی - آقای فرامرزی اگر میل داشته باشید مال جناب عالی را هم بخوانم (مطالب آنرا آقای حائری زاده خودشان بیان نمودند)

حائری زاده - من هیچ نظر شخصی با جناب آقای فرامرزی و امثال ایشان ندارم ولی یک مسائل اصولی است که باید گفته شود در این مملکت آزادی، عدالت، قانون ملعبه شده اول مشروطیت همان مستبدین همان عین الدوله ای که رفته بود آذربایجان را بتوب ارادت هم دارم ولی یک شمشاغانی با ایشان بدهید که مربوط بسبب است عمومی مملکت نباشد دو برابری هم بپشان حقوق بدهید من با ایشان موافق هستم اما برای این محیط جانی که در سیاست عمومی مملکت بیاید دخالت بکنند من باین قسمت موافق نیستم آن زارعی که در ورامین بیل دستش هست و زراعت میکند و ایوان دارد بمملکت خودش تماس با اجنبی نمیگیرد و چردش برای مشورت در مواردی استفاده میشود من هر وقت حاجتی پیدا بکنم که

اصولان نفت را آتش بزیم و دست نفوذ انگلستان را از ایران کوتاه کنیم بنفع ماست ما نمیخواهیم این نفت را که آفتد ریل برای مانا نزل کرده است ۱۵۰ سال است سیاست اجنبی در این مملکت حکومت کرده است ۵۰ سال است عمل نفت عامل آن بوده اند تا خودها و نسلها را برای اجرای مقصود تربیت کردند من در دوره ۴ فریاد بحرین را که حالا موعش نبود بلند بشود من آنروز بلند کردم هر روزی سیاست يك اقتضائی دارد آن روز بیا هو می شد سرو صدائی شد جناب آقای شیخ عبدالرحمن فرامرزی از بحرین تشریف آوردند طهران و در جماع ملیون وارد شدند برای اینکه اسماراجع بحرین دفاع کنند از حقوق بحرین که تحت فشار اجنبی نباشد باطنش چه بود خدا بهتر میداند باطنش غیر از ظاهر بوده (احمد فرامرزی - اسناد بحرین را کی تهیه کرده وارد هر قسمتی نشو در وزارت خارجه برویین) اشخاصی هستند که لباس را خیلی زود میتوانند عوض بکنند (احمد فرامرزی - مثل جناب عالی) ولی من از آن اشخاصی نیستم و حکومت این مملکت بدست این اشخاص که لباس را مثل بوقلمون میتوانند عوض کنند ماشینش چرخیده است و حالاهم میچرخد من يك وظیفه ای پیش خود و خدای خودم داشتم که باید مبارزه خود را ادامه بدهم (احمد فرامرزی - آقا مصالحت مملکت را در نظر بگیر یک حرفی که یک عسدر را منصرف بکنند نگو بی وجدانی هم حدی دارد تمام این اسناد رامن تهیه کردم بروید پرونده های وزارت خارجه را مطالعه کنید ببینید که این اسناد را کی تهیه کرده چون مرا خواستند در کمیسیون وزارت خارجه و شما را نخواستند) (زنک رئیس)

رئیس - آقای فرامرزی تأمل بفرمائید یادداشت بفرمائید جواب موقع دارد

حائری زاده - من يك شخصی گمنامی را پیدا نکردم آثار عملی او در شهر بانی هست قلمش در روزنامه ها هست روزنامه هائی که با اسم خودش بوده است یا با اسم رفیقش بوده است مقالاتش هست يك روز حامی کمونیسم بوده است يك روز مدافع دیکتاتوری يك روز مدافع آزادی یکر و زسان سورچی من با ایشان ارادت هم دارم ولی یک شمشاغانی با ایشان بدهید که مربوط بسبب است عمومی مملکت نباشد دو برابری هم بپشان حقوق بدهید من با ایشان موافق هستم اما برای این محیط جانی که در سیاست عمومی مملکت بیاید دخالت بکنند من باین قسمت موافق نیستم آن زارعی که در ورامین بیل دستش هست و زراعت میکند و ایوان دارد بمملکت خودش تماس با اجنبی نمیگیرد و چردش برای مشورت در مواردی استفاده میشود من هر وقت حاجتی پیدا بکنم که

مقالاتی در این رشته نوشته شود با کمال افتخار
بایشان رجوع میکنم اگر چه امضای خودشان
را هم بایشان نگذارند برای اینکه يك مسئله ای
بفرض مملکت انجام بشود ولی حیات و مملکت
ملت ایران بسته به یک رأی هائی است که در این
مجلس داده میشود دکتر سنجابی که بیرون
آنجا معرفی میکنند بعنوان قاضی در آن
محکمه ای که رشته حیات و مملکت ما را بدست
گرفته اند صلاح نیست ما غیر از سلام
و صلوات و احترام برای او کاری بکنیم
اگر غیر از این بکنیم برای مملکت ضرر
دارد افرادی که این سیستم حرف ها را
ترویج می کنند من آمدنشان را در این
مجلس بضرر مملکت تشخیص داده ام حالا
ایشان در اکثریت باشند بنده در اقلیت
هستم و یقیناً هم من در اقلیت خواهم بود
نمی توانم من در صنف اکثریت واقع شوم که
روی اصل باری به رجعت خواسته باشند
بار مملکت را بنزول برسانند (دکتر معظمی -
ماروی وجدان رأی میدهم بماتو بن نکنید
ما گوش میدهم و قضاوت میکنیم) من آمدم
یشت تریبون برای تشریح وضع والا همه
ایشان را می شناسند (میراشرفی - که مرد
شریفی هستند ولی من برای این مبارزه مقدس
که دنبالش آمدم خواستم به بیتم اگر در
اینجا هم مکرر دارم ادامه بدهم خدمت
خود را توی مجلس اگر هم فکر ندارم يك
فکر دیگری برای زندگانی خود بکنم
اگر بنده ام قوای بدنیم بمن اجازه داد که
بایستم می ایستم و تا روز آخر مجلس مبارزه
می کنم هر وقت اجازه نداد آستانه را
می بوسم مرخص میشوم من چندان نمی خواهم
روی جریان انتخاب صحبت کنم ولی این
بیرونه پراست از این مسائل که آنجا کاندید
هائی بوده اند آن کاندیدها را هر کدامشان
را يك شکلی از میدان بیرون بکارند
وقتی دیده اند قوای مرموز قوای غیر مرمومی
با کمک قوای مرمومی بعنایت شخصی قیام
کرده است مثل اینکه در بعضی نقاط دیگر
هم همین وضع شده در ورامین پشت گوش
مقابل چشم شد بدتر بطور اعلی این مظاهر
بروز کرده است

میر اشرفی - در طهران از آن
شدیدتر بوده است) بنده دیگر عرضی ندارم
بنده مسرور می شوم که بنده را بعنوان خیانت
از این مجلس بیرون کنید بنده هم عرضی
نمیکند و نظر آقایان را قبول دارم

رئیس - تمام شد صحبت شما؟
حائری زاده - بلی تمام شد با این
حرف ها من دیگر ادامه نمیدهم
رئیس - آقای فرامرزی

اینکه همدیگر را از میدان بدر میکنند
ممکن است من قاچاقچی باشم ممکن
است جاسوس باشم ممکن است دزد باشم
ولی کسیکه در برابر محکمه ای اقامه دعوی
میکند راجع بدزدی و جاسوسی يك کسی
باید اسم ببرد بگوید در فلانجا فلان ضلع
را کرد ایشان فرمودند هر کسی برای هائی
و برای کاری خوب است و فرامرزی برای مجلس
خوب نیست این را من قضاوتش را به مجلس
و اگذاره میکنم که به بیتم واقعاً من اینقدر در
میان این و کلاهی که آمده اند از همه فاسدتر
و نالایق تر از همه ام که باید جاور را گرفت
و بنده را از اینجا بیرون کرد اگر و اقامه مجلس
این نظرها دارد بنده عرضی ندارم يك
قسمت اشاره کردند به دخالت دولت در
انتخابات من از ورامین وقوه مرموزی که
در آنجا کار کرده که البته قوه دولت است
و رامین تهران است از ورامین تا تهران نیم
ساعت راه است هیچ فرد ورامینی نیست که
اثری داشته باشد در زندگی و سودای داشته
باشد و ارتباط روزانه با تهران نداشته باشد
و رامین از لواصانات تهران نزدیکتر است
کما اینکه حضرت عبدالعظیم از لواصان تهران
نزدیکتر است اما وکیل علیجده دارد میشود
گفت کسیکه از ورامین یا از حضرت عبد
العظیم وکیل میشود وکیل تهران نیست
مال لواسان وکیل تهران است تفاوتش
این است که این رأی جز آراء بهران است
و آن یکی جدا گانه دارد کما اینکه در بعضی
شهرها مثل کراچی هر محله اش يك وکیل
دارد مثلا ۱۲ وکیل تهران را ۱۲ محله
تقسیم کرده اند پس اینکه گفتند من در
ورامین معروفیت نداشته ام ، زمینه نداشته ام
اینطور نیست اینرا ایشان اقرار دارند که
من ۳۰ سال در این مملکت معلمی کرده ام
در هیچ خانواده ای نیست میخواهم ورامینی
باشد و دماوندی باشد لواسانی باشد شمیرانی
باشد شهر تهران باشد و تحصیل کرده باشد
و از من شاگرد تویش نباشد (عجیب است)
بعد از آن من يك نویسنده ای هستم که تصور
میکند از نویسندگان معروف این مملکت
باشم تصور نمیکند در يك شهری مردمی سواد
داشته باشند و مرا نشناسند پس من تصور
میکند میتوانم از شهر شهری وکیل بشوم و مثلا
از سزو و اسر در بیاورم ولی حائری زاده نمیتواند
در بیابان میخواستم بگویم از هر دو حال خارج
نیست دولت یا در انتخابات دخالت کرده یا
نکرده اگر دولتی که روی شاهه جبهه ملی و
بدست جبهه ملی آمده جلوزمام امور را در
دست گرفته معقول نیست که برای من دخالت
کند و برای جبهه ملی نکند اگر کرده است
برای همه کرده است یا نمیکند یا برای همه
نمیکند فرمودند که چون ایشان روز ه هستند
زبان شان خشک است دلم میخواستم تشریف
داشته باشند و این مطالب را میشنیدند
انشاء الله راست هم میگردد ولی در آداب

روزه يك چیزهای دیگر هم هست بستن زبان
از طعن و فحش و تهمت چطور يك آدمی که
روزه است به يك آدمی که خدا میداند و
تمام رفتائی که می شناسندش اقرار دارند که
از با کدام ترین مردمی است که در سیاست
دخالت کرده است تمام رفتائش میشناسندش
تهمت میزنند من میخواستم حائری زاده باشد
اینجا و بهش بگویم که آقا برای شما اتفاق
افتاده است که صد هزار تومان ، ده هزار
تومان برای شما بیاورند و نگیرید ولی برای
من مکرر اتفاق افتاد و شاهدش را بشما نشان
میدهم آنوقت ایشان با زبان روزه
به کسی تهمت میزنند که همه شاهماکم و
بیش می شناسیدش ایشان فرمودند که با
تصدیق خود این مخالفت شخصی نیست
متأسفانه من این تصدیق را ندارم چون
نمیشود گفت که حائری زاده مرا نشناسد
اینقدر آدم بی هوشی نیست که بنده را در
تمام این مدت نشناخته باشد و نفهمد که
حرفهائی که زده است همه اش دروغ بوده
است اشاره ای کردند بقاچاق بنادر جنوب
که من در اینجا شرکت دارم یاد آمد گفت
آسیابانی از گرسنگی مرد در سال قحط
گفتند کما ج کلوش گرفته بود من چند روز
پیش از این کلاهها گم کرده بودم میخواهم
بگویم که تهمت رایبای ای جز حسد ورزی
نیست پول نداشتم کلاه بخرم یکی از رفقا
گفتم که تو پول داری من الان پول توی جیبم
نیست رفتم يك کلاه گرفتم همانروز یکی
گفته بود که بله اگر يك کسی بخواهد کار
بکند مثل فلانی بکند يك قلم قوی دارد
و پنج شش میلیون تومان از قاچاق جنوب -
استفاده کرده این تردیدی نیست که در -
جنوب قاچاق میشود ولی من از مبارزین
قاچاق بودم دوست من آقای ایران پرست
را کشتند همانهایی که مرحوم فریدی دانش
را کشتند ایران پرست را کشتند برای آن
که قاچاق گرفت (امامی اهری - کی آقا؟)
ایران پرست را من مکرر فشار آوردم
قاچاق بگیرد قاچاق را دولت میکند قاچاق
را اداره کل گمرک میکند قاچاق را از انداز -
مری میکند قاچاق را آورد سرحدی میکند
اینها همه شریک قاچاقند قاچاق از بندر
معینی وارد میشود ولی چون ریشه اش در
تهران است جلوش را نمیشود گرفت در
قسمت زد و بند سیاسی روزنامه نویسی که
گفتند من البته همه همکارانم مرا میشناسند
و آنها بهتر میدانند چون کاملا مدیران جراید
میدانند کی با کی بسته کی پول گرفت یا
کی نگرفت آنها بهتر میدانند و بهتر می
توانند قضاوت بکنند راجع بوکالت دوره چهارم
خودشان و اقلیت که گفتند البته تشریف ندارند
و منهم راجع با نروز صحبت نمیکند ولی يك
چیزی که اهمیت می دهد بگویم اینست که
بن رئیس سانور شهر بانی گفتند . من
عضو وزارت كشور بودم يك اداره ای

درست کردند در زمان مرحوم رضاشاه که
اداره تبلیغات باشد اسسش را هم گذاشتند
اداره تبلیغات بعد بردند حضورا علیه حضرت
هایونی و ایشان فرمودند که نه این اسم عربی
است و باید فارسی باشد این بود که اسمش
را گذاشتند نامه نگاری و رئیسش آقای
دشتی شد بعد آقای دشتی مرا بیکم خودشان
خواستند ولی کار او و کار من و اعضای نامه
نگاری سانور نبوده سانورچی از طرف
شهر بانی در آنجا بوده کما این که بعد هم
در تبلیغات آمد کما آنکه در دست و تلگراف
هم بود و کما این که رئیس نامه نگاری هم حتی
اعلان ختم مادرش را بدون امضای نماینده
شهر بانی نمی توانست بدهد در روزنامه چاپ
کنند بن گفتند روزنامه ها دارم و من نمی
دانم چه روزنامه هائی دارم واقعا هم اگر می
دانستم درست می کردم اما ندارم و این که
فکر خودم را بالاتر میدانم اینست آنچه
اشخاص را وادار بپارزه با من میکند . گفت:
توانم آنکه نیازم اندرون کسی
حسود را چکنم کاوز خود برنج درست
من چکنم با ایشان نمی توانم تعظیم کنم ، می توانم
ایشان را امام زاده فرض کنم من خیال میکنم که
خدایا فکر ما بالاتر خلق کرده حالا اگر اشتباه
می کنم من نمی فهمم ، فرمودند مأمورین
قرعه آنجا را دولت عوض کرده است برای
من ، نفهمیدم چرا ؟ این جا گفتم که دو نفر مأمور
که یکی اش بعنوان اینکه بمن کمک کرد
و آن بخشدار اول بوده که گفتند انجمن
بفرض من تشکیل داده آنرا مخالفین من گرفته
کنکش زدند ، یکی دیگر هم که حکم وزارت
کشور را با ابلاغ کردند میخواست يك
انجمن دیگر درست کند گفتند يك انجمن
هست دیگر چرا میخواهی انجمن درست کنی سیم
تلگراف را قطع کرد ، تلگراف باو کردند
نگرفت تلفن شفاهی باو کردند قبول نکرد
گفت حکم شفاهی نمیشود کاغذ باو نوشتند
نگرفت و خودشان روی ترتیب اداری عوضش
کردند و من اصلا نرفتم چون مرخص بودم
نرفتم و رامین ، اما چطور شد که من از ورامین
وکیل شدم برای اینکه مردم تشخیص
میدهند تمام این جوانهای تهران تمام این
تهرانها که با ورامین ارتباط داشتند تمام
ورامینی هائی که در تهران بودند تمام کسانی
که سابق در ورامین بودند رفتند بقدری
برای من فعالیت کردند که من واقعا خوشحال
شدم از اینکه گفتم پس توی این مملکت
مردم بین خوب بود فرق می گذارند حالا
ممکن است که آنها اشتباه کرده باشند
ولی آنها روی امید رفته اند و خود اعضای
جبهه ملی هم يك اشخاصش بمن کمک کردند
اشخاص زیادی در جبهه ملی بمن کمک کردند
اشخاصی که آمدند با ایشان گفتند ، گفتند
بروید با ایشان رأی بدهید همین آقای مکی
همین آقای دکتر بقائی و تمام دوستان من
مطالبی که ایشان گفته خیلی زیاد است ، من

آقای رئیس امر میکند مامجوریم
رئیس - آقایانی که موافقت با
اعتبارنامه آقای فرامرزی دارند رأی سفید
خودشان را میدهند بانام آقایان مخالفین
ورقه کیود میدهند (گنجی - عده حاضرین را
هم اعلام بفرمائید) فعلا ۵۶ نفر است
ممکن است اضافه شود صورت قطعی را بعد
عرض میکنم
(اسامی آقایان بقراردیل بوسیله
آقای غروی (منشی) اعلام و در
محل نطق اخذ رأی بعمل آمد)

آقایان: کریمی ، دکتر ملکلی ، انگلی
میلانی ، محمد ذوالفقاری ، محمد حسین
قشقائی ، ناصر ذوالفقاری ، خسرو قشقائی ،
دکتر معظمی ، میراشرفی ، عامری ، گنجی
معتمد دماوندی ، امامی اهری ، مجتهدی ،
کهد ، موسوی ، ناظرزاده ، حمیدیه ، دکتر
سید حسن امامی ، ذکائی ، جلیلی ، دکتر
طاهری ، ملک مدنی ، مصدقی ، اقبال ، فرزانه
دکتر مصباح زاده ، مدرس ، یارسا ، افشار
نبوی ، احمد فرامرزی ، دکتر فلسفی ،
حائری زاده ، مهندس رضوی ، وکیل پور ،
شوکتی ، منصف ، نجفی ، دکتر کیان ، ربکی
دکتر قققی شیرازی ، شهاب خسروانی ،
افشار صادقی ، نریمان ، بهادری ، هدی ،

شاپوری ، دکتر فاخر ، اورنگ ، غروی
(پس از شماره آراء مأخوذه ۵۲ وره
سفید موافق و يك وره کبود مخالف و
سه وره بی اسم مخالف و
موافق شمرده شد)
رئیس - عده حاضر ۵۶ نفر با اکثریت
۵۲ رأی موافق نمایندگی آقای عبدالرحمن
فرامرزی تصویب شد
اسامی موافقین - آقایان : مدرس ،
دکتر مصباح زاده ، محمد ذوالفقاری ، هدی
شوکتی ، احمد فرامرزی ، یارسا ، دکتر سید
حسن امامی ، معتمد دماوندی ، ذکائی ،
جلیلی ، دکتر کیان ، بهادری ، نجفی فردوسی
موسوی ، امامی اهری ، افشار صادقی ، پور -
سرتیپ ، تولیت ، امیر افشاری ، غروی ، ربکی
دکتر معظمی ، وکیل پور ، ناصر ذوالفقاری
فرزانه ، اورنگ ، کهد ، حمیدیه ، ناظرزاده
دکتر فلسفی ، فتحعلی افشار ، مهندس رضوی
مصدقی ، نبوی ، دکتر طاهری ، نریمان ، محمد
حسین قشقائی ، گنجی ، خسرو قشقائی ، منصف
شهاب خسروانی ، میراشرفی ، صرافزاده ،
شاپوری ، دکتر قققی شیرازی ، عامری ،
کریمی ، مجتهدی ، دکتر فاخر ، ملک مدنی
دکتر ملکلی
موافق بی اسم - يك وره
مخالف - آقای حائری زاده
مخالف بی اسم - دو وره

۱- اعلام تصویب نمایندگی
آقای مجتهدی نماینده تبریز
بعلت حاضر نبودن مخالف آن
رئیس - نه آقا يك بیست هادی دار
آقایان بگذارید برسد و موافقت بفرمائید
این بیست هاد هم تکلیفش تعیین شود
(پیشنهاد آقای بهادری بشرح
زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد میکنم اعتبار نامه آقای مجتهدی
چون مخالفی ندارد و مورد بحث واقع نمیشود
مطرح شود.
رئیس - مخالفی نیست برای این
پیشنهاد (گفته شد خیر) صبر کنید آقایان
تشریف بیاورند (در این موقع با ورود چند
نفر عده کافی شد) اعتبار نامه نمایندگی آقای
مجتهدی تصویب شد
**۷- تعیین موقع دستور جلسه
بعد - ختم جلسه**
رئیس - اگر موافقت میفرمائید جلسه
را ختم میکنم
جلسه آینده دو ساعت بظهرمانده روز
یکشنبه دستور طرح بقیه اعتبارنامه ها
(مجلس ۴۵ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - اورنگ

۱- اعلام تصویب نمایندگی
آقای مجتهدی نماینده تبریز
بعلت حاضر نبودن مخالف آن
رئیس - نه آقا يك بیست هادی دار
آقایان بگذارید برسد و موافقت بفرمائید
این بیست هاد هم تکلیفش تعیین شود
(پیشنهاد آقای بهادری بشرح
زیر قرائت شد)
ریاست محترم مجلس شورای ملی
پیشنهاد میکنم اعتبار نامه آقای مجتهدی
چون مخالفی ندارد و مورد بحث واقع نمیشود
مطرح شود.
رئیس - مخالفی نیست برای این
پیشنهاد (گفته شد خیر) صبر کنید آقایان
تشریف بیاورند (در این موقع با ورود چند
نفر عده کافی شد) اعتبار نامه نمایندگی آقای
مجتهدی تصویب شد
**۷- تعیین موقع دستور جلسه
بعد - ختم جلسه**
رئیس - اگر موافقت میفرمائید جلسه
را ختم میکنم
جلسه آینده دو ساعت بظهرمانده روز
یکشنبه دستور طرح بقیه اعتبارنامه ها
(مجلس ۴۵ دقیقه بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - اورنگ